



دوماهنامه علمی- پژوهشی

د ۹، ش ۲ (پیاپی ۴۴)، خرداد و تیر ۱۳۹۷، صص ۱-۳۳

بررسی معنایی حروف اضافه /wæpi/ و /wægærd/ ، /wæ/ ، /læ/ در کردی براساس رویکرد شناختی

مسعود دهقان*

استادیار ادبیات انگلیسی و زبان‌شناسی، دانشگاه کردستان، کردستان، ایران

پذیرش: ۹۶/۴/۴

دریافت: ۹۶/۱/۲۱

چکیده

پژوهش حاضر قصد دارد تا با استفاده از انگاره چندمعنایی اصول‌مند (انگاره چما) (Evans & 2006) در رویکرد شناختی به بررسی برخی از کاربردی‌ترین حروف اضافه کردی (گویش کلهری)، یعنی /wæpi/ و /wægærd/ و /wæ/ ، /læ/ بپردازد. ماهیت روش انجام این پژوهش توصیفی - تحلیلی و نوع روش پیکره - بنیاد است. پیکره انتخاب‌شده از مصاحبه با سخنوران این گویش کردی به دست آمده و اصالت آن‌ها نیز کاملاً مورد تأیید است که در این بررسی، به دلیل محدودیت حجم مقاله، به ذکر نمونه‌هایی از هر مفهوم بسنده کرده‌ایم. نگارنده برای واکاوی معانی متمایز این حروف اضافه، آن‌ها را جداگانه در یک شبکه معنایی ترسیم کرده است. در این راستا، یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که معنای سرنمون /læ/ «از» است و در شبکه معنایی آن هجده معنای متمایز و پنج خوشه معنایی وجود دارد. با بررسی‌های دقیق به عمل آمده، مشخص شد که گویشوران، حرف اضافه /wæ/ را در برخی موارد به جای /læ/ و با همان معانی در همان بافت‌ها به کار می‌برند؛ اما علاوه بر آن، /wæ/ در دو معنای مجزای دیگر به کار می‌رود که حرف اضافه /læ/ نمی‌تواند در آن جایگاه‌ها بیاید. بنابراین، معنای سرنمون /wæ/ «از» است و در شبکه معنایی آن بیست معنای مجزا وجود دارد. معنای سرنمون /wægærd/ «با» است و در شبکه معنایی آن یازده معنای متمایز و سه خوشه معنایی وجود دارد. معنای سرنمون /wæpi/ «به» است و در شبکه معنایی آن پنج معنای متمایز و دو خوشه معنایی وجود دارد.

واژه های کلیدی: حرف اضافه، کردی کلهری، رویکرد شناختی، شبکه معنایی، انگاره چما.

۱. مقدمه

پژوهش حاضر با هدف بررسی برخی از کاربردی‌ترین حروف اضافه در کردی (گویش کلهری)، یعنی حروف اضافه /wæ/، /læ/، /wæɡærd/ و /wæpi/ در چارچوب انگاره چندمعنایی اصول‌مند^۱ (چما^۲) و با استفاده از روش توصیفی - تحلیلی انجام گرفته است. در این گویش کردی کلهری، دو حرف اضافه /læ/ و /wæ/ در برخی معانی (هجده معنای به‌دست آمده) به هر دو صورت و حتی در بافت‌های مختلف به جای هم مورد استفاده قرار می‌گیرند، با این تفاوت که حرف اضافه /wæ/ علاوه بر هجده معنای به‌دست آمده، در دو معنای مجزای دیگر به‌کار می‌رود که /læ/ در آن کاربردها نمی‌تواند مورد استفاده قرار گیرد. رویکرد زبان-شناسی شناختی را - که قرار است پیکره موردنظر بر اساس آن و مفایم مطرح در آن، ازجمله چندمعنایی حروف اضافه تحلیل شود - می‌توان به‌عنوان رویکردی نوین در زبان‌شناسی به-شمار آورد که ظهور و شکوفایی آن به دهه هفتاد میلادی بازمی‌گردد و بیشترین آثار در این حوزه را زبان‌شناسان غربی ازجمله لانگاکر^۳ (۱۹۸۷)، لیکاف^۴ و جانسون^۵ (۱۹۸۰) و مانند این‌ها به ثبت رسانده‌اند. رویکرد شناختی درواقع به بررسی رابطه میان معنا و ارجاع آن در جهان خارج نمی‌پردازد؛ بلکه معنا در این انگاره یعنی مفهوم‌سازی که ماهیتی سیال و پویا دارد. ایوانز و گرین^۶ (۲۰۰۶: ۲۷-۴۷) بر این باورند که در رویکرد شناختی می‌توان به ویژگی‌هایی اشاره کرد از قبیل:

الف. در این رویکرد مقوله‌بندی عناصر زبانی از نوع سرنمون^۷ است.

ب. معنا ساختاری ذهنی تلقی می‌شود که مبتنی بر سنجش صدق و کذب نیست.

ج. معانی بر اساس ساختارهای هندسی، فضایی و ذهنی شکل می‌گیرند.

د. طرح‌واره‌های تصویری^۸ که ساختاری فضایی دارند، به‌عنوان اصلی‌ترین انگاره‌های شناختی در نظر گرفته می‌شوند.

یکی از اصول اساسی مطرح در رویکرد شناختی دیدگاه لیکاف در خصوص مفاهیم مقوله-بندی^۹ و سرنمون است. ویتگنشتاین^{۱۰} (۱۹۵۸) با طرح شباهت‌های خانوادگی به طرح مسئله مقوله‌بندی پرداخته است. او (*Ibid*) گفته است که با نگاه کردن به یک عکس خانوادگی می‌توان دید که برخی دارای بینی هم‌شکلی هستند؛ اما برخی چشم‌های شبیه به هم و برخی دیگر چانه شبیه به هم دارند؛ اما نمی‌توان انتظار داشت همه افراد خانواده کاملاً شبیه هم باشند. پس شرط

وارد شدن در یک مقوله، همسانی کامل نیست و نمی‌توان انتظار داشت همه موارد کاملاً ویژگی‌های مشترک داشته باشند.

راسخ‌مهند (۱۳۸۹) در بررسی چندمعنایی به نگاه دو رویکرد غیرشناختی و شناختی اشاره می‌کند و بیان می‌دارد که در رویکرد غیرشناختی، چندمعنایی حاصل کاربرد واژه در بافت خاصی است؛ در حالی که در رویکرد شناختی مفهوم چندمعنایی تعبیر دیگری دارد و آن اینکه واژه‌ای چندمعناسست که اولاً دارای یک معنای اصلی و مرکزی باشد و دوم اینکه دارای معنای فرعی مرتبط با آن معنای اصلی باشد که با استفاده از سازوکارهای شناختی قابل تبیین باشد. زبان‌شناسان شناختی بر این باورند که حروف اضافه از جمله نمونه‌های بااهمیت در بررسی‌های چندمعنایی محسوب می‌شوند. به همین منظور، پژوهش حاضر به بررسی چندمعنایی حرف اضافه /wæ/ /læ/ و /wægi/ در کردی کلهری پرداخته است تا بر اساس رویکرد چما - که یکی از رویکردهای مطرح شده از سوی ایوانز و گرین (2006: 34) است - به این پرسش اساسی پاسخ دهد که کدام یک از معانی این حروف اضافه معنای سرنمون و کدام یک، به‌عنوان معنای حاشیه‌ای^{۱۱}، غیرهسته‌ای و مجزای آن در نظر گرفته می‌شوند. در پایان، این پژوهش با استفاده از شبکه معنایی نشان می‌دهد که ارتباط میان معناهای متفاوت این حروف اضافه به چه صورت است.

پژوهش حاضر شامل شش بخش است. بخش دوم به پیشینه پژوهش و مطالعات مرتبط با آن پرداخته است. بخش سوم به روش انجام پژوهش اشاره می‌کند. در بخش چهارم با مبانی نظری مرتبط با انگاره چما آشنا خواهید شد. بخش پنجم به بررسی چندمعنایی حروف اضافه /wæ/ /læ/ و /wægi/ اختصاص دارد و در بخش آخر، نتیجه‌گیری پژوهش را خواهید دید.

۲. پیشینه پژوهش

باید اذعان داشت که چند سالی است پژوهش‌های ارزنده‌ای در خصوص معانی متمایز حروف اضافه و همچنین افعال در زبان فارسی از منظر رویکرد شناختی توسط پژوهشگران ایرانی به چاپ رسیده است که نگارنده در ذیل به برخی از آن‌ها که با پژوهش حاضر ارتباط دارند، اشاره می‌کند.

یوسفی راد (۱۳۸۷) در رساله دکتری خود با عنوان **بررسی حروف اضافه زبان فارسی در چارچوب معناشناسی شناختی** با نگاه ویژه به حروف اضافه مکانی به بررسی معناشناختی حروف اضافه زبان فارسی - که آن‌ها را از پایگاه داده‌های زبان فارسی (pldb) استخراج کرده - پرداخته است. وی بر این باور است که معنای حروف اضافه مکانی را می‌توان بر اساس رابطه شکل و زمینه درک کرد و بیان می‌کند که کاربرد معنایی حروف اضافه زبان فارسی آن-چنان گسترده است که بر طبق پیکره pldb، دومین، سومین و چهارمین واژه‌های پربسامد زبان فارسی؛ یعنی حروف اضافه «در»، «به» و «از» همگی حروف اضافه مکانی هستند که تنها حرف ربط «و» بر آن‌ها پیشی گرفته است. بنابراین، نگارنده با بررسی حروف اضافه مکانی نشان داده است که خلاف آنچه در دستور سنتی به آن اشاره شده است، کاربرد حروف اضافه بسیار ساختمان‌مند است و معنای مکانی آن‌ها که همان معنای سرنمون است، به کمک سازوکارهای شناختی به‌ویژه استعاره و مجاز به معنای دیگر آن مربوط می‌شود.

یوسفی راد (۱۳۸۸) در مقاله‌ای با عنوان «رویکرد معناشناسی شناختی به حروف اضافه مکانی زبان فارسی از منظر آموزشی، مطالعه موردی: حرف اضافه "در"»، به دنبال راهی برای پیدا کردن ارتباط معنایی میان معانی مختلف حروف اضافه مکانی است تا شبکه روابط معنایی آن‌ها را ترسیم کند. در این پژوهش به این نکته اشاره شده است که در دیدگاه سنتی و بر اساس رویکردهای غیرشناختی یک فهرست طولانی از معانی برای این حرف اضافه در نظر گرفته شده است که هیچ ارتباط معناداری بین آن‌ها وجود ندارد؛ در حالی که از منظر شناختی چنین نیست. این پژوهش روش کارآمدتر را ارائه شبکه معنایی مرتبط و مبتنی بر معنای اولیه می‌داند. در این پژوهش نشان داده شده است که رویکرد معنی‌شناسی شناختی تبیین بهتری از ساختار معنایی حروف اضافه مکانی به‌طور عام و حرف اضافه «در» به‌طور خاص ارائه می‌دهد که پژوهش حاضر این شبکه شعاعی از معنای مرتبط را در خصوص حروف اضافه /wæ/، /læ/ و /wægaerd/ در کردی کله‌ری مورد تحلیل و بررسی قرار می‌دهد.

گلفام و همکاران (۱۳۸۸) در پژوهشی با عنوان «بررسی حرف اضافه (از) در چارچوب معناشناسی شناختی و مقایسه آن با رویکرد سنتی» به این نکته اشاره کرده‌اند که کتب دستور زبان فارسی تنها به کاربرد معنای حروف اضافه پرداخته و ارتباط میان معانی را نادیده گرفته‌اند. نگارندگان روش کارآمدتری را معرفی کرده‌اند که بر اساس آن یک شبکه معنایی، مبتنی بر

شباهت‌های خانوادگی به دست داده شده است که روابط مفهومی میان معانی مختلف این حرف اضافه را به خوبی نشان می‌دهد و آن‌ها بر این باورند که معانی حروف اضافه دلخواهی نیستند.

راسخ‌مهند (۱۳۸۹) در مقاله‌ای با عنوان «بررسی معانی حروف اضافه مکانی فرهنگ بزرگ سخن بر اساس معنی‌شناسی شناختی» تلاش کرده است تا نحوه نگاه به معنی و نیز ثبت معانی حروف اضافه مکانی در فرهنگ بزرگ سخن را از دیدگاه معنی‌شناسی شناختی به خواننده معرفی کند. وی در این پژوهش به دو معنای متفاوت فرهنگ‌واره و دائرةالمعارفی اشاره کرده و آن‌ها را از هم متمایز دانسته است. نگارنده در این پژوهش نشان داده است که آشنایی با رویکرد معنی‌شناسی شناختی، در پیدا کردن معانی مختلف حروف اضافه می‌تواند بسیار راهگشا باشد.

زاهدی و همکاران (۱۳۹۰) در مقاله‌ای با عنوان «شبکه معنایی حرف اضافه فارسی «از» در چهارچوب معنی‌شناسی شناختی» به بررسی یکی از حروف اضافه پرکاربرد در زبان فارسی پرداخته و با استفاده از رویکرد شناختی و مفهوم سرنمون در این رویکرد، معنای اولیه یا هسته‌ای و دیگر معانی متمایز و یا غیرهسته‌ای حرف اضافه «از» در زبان فارسی را شناسایی کرده است. نگارندگان نشان داده‌اند که مفهوم سرنمون حرف اضافه «از» به عنوان مفهوم کانونی در شبکه معنایی ترسیمی مورد نظرشان قرار گرفته و معانی متمایز منشعب از آن را نیز شناسایی کردند.

بامشادی و همکاران (۱۳۹۵) در مقاله‌ای منتشرشده در مجله جستارهای زبانی به بررسی معنایی سه حرف اضافه /æra/ /ta/ /wæl/ آن هم در گویش دیگری از زبان کردی، یعنی گویش گورانی، از دیدگاه شناختی پرداخته‌اند. آن‌ها در پژوهش خود به بررسی چندمعنایی این سه حرف اضافه از دیدگاه رویکرد چمای تایلر و ایوانز (2001) پرداخته‌اند. نگارندگان پژوهش با بهره‌گیری از این الگوی اصول‌مند، سعی در واکاوی معنایی این حروف اضافه در کردی گورانی داشته‌اند که بر اساس یافته‌های پژوهش نشان داده‌اند که حرف اضافه /wæl/ دارای ۹ معنای مجزا و دو خوشه معنایی، حرف اضافه /ta/ دارای چهار معنای مجزا و /æra/ دارای چهار معنای مجزا و یک خوشه معنایی است.

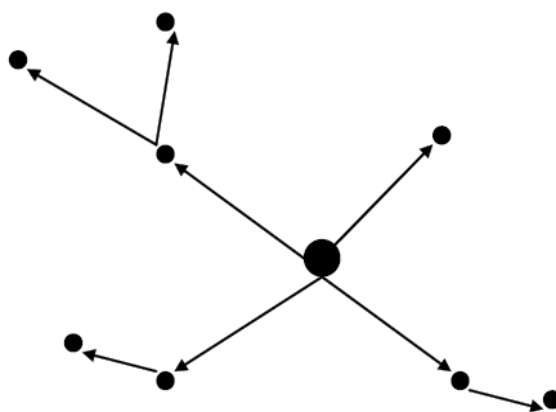
۳. روش پژوهش

ماهیت پژوهش حاضر توصیفی - تحلیلی است و نوع آن پیکره - بنیاد، از داده‌های یکی از گویش‌های زبان کردی در غرب ایران، یعنی گویش کردی کلهری است. بنابراین، حوزه بررسی مطالعه چندمعنایی حروف اضافه /wæ/ /læ/ /wæɡærd/ و /wæpi/ در گویش کلهری است که پس از بررسی‌های دقیق، نگارنده که خود گویشور این گویش است، متوجه شد که /læ/ دارای هجده معنای متفاوت و پنج خوشه معنایی است که گویشوران آن را به جای حرف اضافه /wæ/ با همان معانی در بافت‌های مختلف به کار می‌برند، با این تفاوت که حرف اضافه /wæ/ در دو معنای مجزای دیگر نیز به کار می‌رود. همچنین، حرف اضافه /wæɡærd/ دارای یازده معنای متمایز و سه خوشه معنایی و /wæpi/ دارای پنج معنای مجزا و دو خوشه معنایی است. داده‌ها بر اساس دانش زبانی نگارنده که خود گویشور بومی کلهری است و نیز از طریق مصاحبه با سخنوران این گویش جمع‌آوری شده و اصالت آن‌ها نیز مورد تأیید گویشوران اصیل این گویش قرار گرفته است که پژوهش حاضر با ابزارهای مطرح در رویکرد شناختی و بر اساس انگاره چما (Evans & Tyler, 2004a, 2004b; Evans & Green, 2006) به توصیف و تحلیل آن‌ها پرداخته است. گفتنی است که برای هر مفهوم و معنایی که از این حروف اضافه به دست آمد، مثال‌ها و نمونه‌های فراوانی وجود دارد؛ اما به دلیل محدودیت حجم مقاله، تنها به ذکر نمونه‌هایی از هر مفهوم بسنده می‌کنیم.

۴. مبانی نظری پژوهش

در معنی‌شناسی شناختی می‌توان از مفاهیمی نام برد که در تمامی نظریه‌های این رویکرد ثابت‌اند و از اصول بنیادی آن‌ها به شمار می‌روند. رویکرد چما یکی از مفاهیم مطرح‌شده در معنی‌شناسی شناختی است که چارچوب نظری پژوهش حاضر را به خود اختصاص می‌دهد و دو هدف اساسی را دنبال می‌کند (Evans & Green, 2006). یکی اینکه مفهوم اصلی از میان مفاهیم مختلف در یک طبقه را مشخص و شناسایی می‌نماید و بین مفاهیم و معانی ذخیره‌شده در ذهن و مفاهیم و معانی بر گرفته از بافت، تفاوت می‌نهد. به این معنا که اگر واژه‌ای در بافتی یک معنای خاص داشته باشد که فقط در آن بافت به ذهن متبادر شود، نمی‌توان آن مفهوم را مفهوم اصلی و متمایز از دیگر معانی در نظر گرفت، برای اینکه در واژگان ذهن ذخیره نشده

است؛ بلکه در بافت خاصی آن معنا به ذهن آمده و صرفاً در یک بافت خاص در جهان خارج آن معنا درک شده است. دوم اینکه مفهوم و معنای مرکزی و درواقع سرنمون با یک مقوله شعاعی خاص مشخص می‌شود. مقوله شعاعی مقوله‌ای مفهومی است که در آن چند مفهوم در ارتباط با یک مفهوم مرکزی سازمان‌بندی شده‌اند. نمودار ذیل تصویری انتزاعی از نحوه ارتباط معانی مختلف واژه در دیدگاه مقولات شعاعی را نشان می‌دهد (Ibid: 342).



شکل ۱: طرح انتزاعی مقوله‌های شعاعی (Evans & Green, 2006: 276)

Figure1. Abstract design of radial categories (Evans & Green, 2006: 276)

نکته‌ای که اهمیت دارد آن است که نموداری همچون نمودار ۱، به معنای ساختن معانی جدید برای واژه‌ها نیست؛ بلکه درواقع نشان از ارتباطی است که می‌توان میان معانی مختلف یک واژه در نظر گرفت.

برای آشنایی بیشتر با انگاره چما باید دو مفهوم شیء متحرک^۲ و زمینه ثابت^۳ را به‌خوبی شناخت. تایلر و ایوانز (2003) معتقدند که در چارچوب تحلیل معنایی حروف اضافه و تشخیص مفهوم سرنمون دو نکته حائز اهمیت است: یکی درواقع همان رابطه مکانی - فضایی است که شیء متحرک و زمینه ثابت را به هم مرتبط می‌کند و دیگری جنبه کاربردی آن است که شیء متحرک و زمینه ثابت را نشان می‌دهد. هر حرف اضافه رابطه‌ای فضایی بین این دو نقطه است که تصور می‌شود منظری مکانی - فضایی را نشان می‌دهد. درواقع حروف اضافه به‌عنوان واژه‌هایی در جمله به کار می‌روند که رابطه میان شیء متحرک و زمینه ثابت را در

جمله نشان می‌دهند. به عبارتی، بر این اساس در جمله‌ای مانند «لکه روی لباس افتاد»، می‌توان جایگاه و موقعیت «لکه» را در مقابل «لباس» این‌گونه آشکار ساخت که در آن روابط فضایی میان دو موضوع^{۱۴} TR «لکه» و LM «لباس» متفاوت است. «لکه» همان شیء متحرک و «لباس» زمینه ثابت است که یکی در کانون توجه قرار داشته و برجسته‌تر از دیگری خود را می‌نماید. به باور لانگاکر (71: 2008) این برجستگی یکی از دو عنصر نسبت به دیگری در واقع زمانی نمایان می‌شود که رابطه آن دو عنصر در بافت مشخص گردد.

۴-۱. روش پیشنهادی تایلر و ایوانز برای شناسایی معناهای متفاوت و معنای هسته‌ای حروف اضافه

تایلر و ایوانز (46: 2003) برای شناسایی معنای هسته‌ای و مرکزی واژه‌ها پنج معیار اساسی را معرفی می‌کنند که در ذیل به آن‌ها خواهیم پرداخت.

الف. معنای سرنمون (هسته‌ای یا مرکزی) که به عنوان اولین معنای واژه در نظر گرفته می‌شود.

ب. برتری معنایی در شبکه.

ج. استفاده در ساخت‌های ترکیبی.

د. ارتباط آن با دیگر حروف اضافه فضایی - مکانی.

ه. پیش‌بینی دستوری.

ایوانز و تایلر (2004) بر این باورند که علاوه بر ترکیب شیء متحرک و زمینه ثابت با هم آنچه در اینجا حائز اهمیت است، مفهوم انگیزش^{۱۵} است که به وسیله یک حرف اضافه، یک «عامل کاربردی» را نیز در برمی‌گیرد. برای مثال، در حرف اضافه انگلیسی /in/ ترکیب، مکانی - فضایی، در برگرفتن نقطه عبور را به وسیله نقطه ارجاع نشان می‌دهد (Talmy, 2000)؛ اما «عامل کاربردی» مفهوم حجم را در برمی‌گیرد.

۴-۲. رویکرد پیشنهادی ایوانز و گرین (345: 2006) برای شناسایی مفاهیم مختلف و هسته‌ای حروف اضافه

ایوانز برای شناسایی معنای مجزای حرف اضافه «OVER» دو معیار اساسی را معرفی می‌کند: نخست اینکه چنانچه در معنای این حرف اضافه مفهوم اضافی نهفته باشد که در دیگر معانی آن

مشخص نباشد، یک معنا به عنوان معنای متفاوت در نظر آورده می شود. این معنای متفاوت باید معنای غیرمکانی را همراه با دو مفهوم شیء متحرک و زمینه ثابت در خود داشته باشد (Tyler & Evans, 2003). دوم اینکه معنای متفاوت باید مستقل از بافت باشد.

بنابراین رویکرد معناشناختی پژوهش حاضر، رویکرد چمای موردنظر ایوانز و گرین (2006) است. از این منظر، هر حرف اضافه ای در یک شبکه روابط فضایی، همواره یک کمال مطلوب ذهنی - انتزاعی را برمی انگیزد که به عنوان مفهوم مرکزی و سرنمون شبکه معنایی آن حرف اضافه در نظر آورده می شود.

پژوهش حاضر، مفید بودن رویکرد شناختی را در بررسی چندمعنایی حروف اضافه با تحلیل چندمعنایی حروف اضافه /wæ/, /læ/, /wægærd/ و /wæpi/ در گویش کلهری نشان می دهد. بررسی این حروف نشان می دهد که چگونه معنای آن ها از حوزه فیزیکی - فضایی به حوزه انتزاعی - استعاره گسترش می یابد.

ایوانز و گرین (2006) معیارهای موردنظر تایلر و ایوانز (2004) را به گونه ای دیگر مطرح کرده اند. به باور ایوانز و گرین (Ibid: 6) در تعیین مفهوم اولیه، چهار معیار اساسی وجود دارد که عبارت اند از:

الف. اولین معنای تعیین شده.

ب. برتری معنایی در شبکه.

ج. ارتباط معنایی با دیگر حروف اضافه.

د. سهولت پیش بینی در گسترده گی معنا.

بر اساس معیارهای بالا، تعیین معنای اولیه به راحتی امکان پذیر است.

۵. بررسی چندمعنایی حروف اضافه /wæ/, /læ/, /wægærd/ و /wæpi/

در کردی کلهری

در این پژوهش، اهمیت زبان شناسی شناختی را با بررسی چندمعنایی حروف اضافه /læ/, /wægærd/ و /wæpi/ در کردی کلهری به وضوح می توان مشاهده کرد که با استفاده از رویکرد چما می توان نگاشت معنایی یک حوزه فیزیکی را به یک حوزه انتزاعی نشان داد. به عبارتی، هدف از ارائه این الگوی اصول مند آن بود تا بر اساس آن بتوان ماهیت انتزاعی این

حوزه، یعنی چندمعنایی واژگان را تبیین کرد. به منظور بررسی چندمعنایی این حروف اضافه در کردی کلهری که معانی و کاربردهای گوناگونی دارد، ابتدا تک تک معانی آن‌ها را برای شما خوانندگان واکاوی می‌کنیم، سپس شبکه معنایی آن‌ها را با استفاده از الگوی چما ترسیم می‌کنیم که بررسی آن‌ها ممکن است شما را در درک معانی مختلف آن‌ها یاری نماید.

گفتنی است که در بخش ۱-۵ به هجده معنای مجزای /læ/ و /wæ/ که یکدیگر را همپوشانی می‌کنند خواهیم پرداخت، در بخش ۱-۱-۵ به ترسیم شبکه معنایی این دو حرف اضافه خواهیم پرداخت و سپس در بخش ۲-۵ به دو معنای مجزای دیگر اشاره خواهیم کرد که مختص حرف اضافه /wæ/ است و درواقع حرف اضافه /wæ/ را از /læ/ متمایز می‌کند.

۱-۵. معانی مجزای حروف اضافه /læ/ و /wæ/

۱. معنای سرنمون

معنای «از» اولین معنا و مفهومی به شمار می‌رود که از حروف اضافه /læ/ و /wæ/ به ذهن می‌آید و درواقع، همان سرنمون یا معنای هسته‌ای این دو حرف اضافه به حساب می‌آید. گفتنی است که در مثال‌های داده شده زیر تنها از /læ/ به جای این دو حرف اضافه که در این بافت‌ها کاربرد و معنای یکسانی دارند، استفاده شده است. بنابراین، در نمونه‌های داده شده زیر می‌توان به جای /læ/ از حرف اضافه /wæ/ استفاده کرد؛ اما در بخش ۲-۵ به دو معنای مجزای دیگر اشاره خواهیم کرد که مختص حرف اضافه /wæ/ است و درواقع حرف اضافه /wæ/ را از /læ/ متمایز می‌کند. همین‌طور است درمورد نمونه مثال‌های ذکرشده در کاربردهای دیگر این حروف و معانی متفاوت آن‌ها که در زیر آمده است.

۱. الف. مفهوم «از»

مفهوم و معنای اولیه‌ای که از حرف اضافه /læ/ ابتدا به ذهن گویشور کردزبان متبادر می‌شود، درواقع معنای «از» است که در بافت‌های دیگر، معانی مختلفی دارد که در ذیل به آن‌ها خواهیم پرداخت. بنابراین، مفهوم «از» معنای هسته‌ای و درواقع سرنمون و نخستین معنای حرف اضافه /læ/ و /wæ/ است. نمونه‌های زیر مؤید این مطلب هستند.

1. læ hale dæləm to xæwær næjri.
 ʔæz hale dæləm to xæbær nædari

«تو/ز حال دلم خبر نداری».

2. *læ* forsæt ʔestefadæ kerdəm, mæqalæj-g nɜ:s-am.
 ʔæz forsæt ʔestefade kerdəm, mæqale-h-ee nevešt-æm
 «از فرصت استفاده کردم، مقاله‌ای نوشتم».

3. *mæn læ* to læ del ʔerd-əm.
mæn ʔæz to be del gereft-æm
 «من/ز تو به دل گرفتم»

4. *mənɒlæ-gan-əm læ* del-o- ʔijan du:s di:rəm.
bæče-ha-j-æm ʔæz del o dʒan du:st darəm
 «بچه‌هایم را از دل‌وجان (خیلی) دوست دارم».

۲. خوشه قیاس^{۱۶}

«قیاس» خوشه‌ای معنایی است که دارای سه معنا و مفهوم مجزاست. در این خوشه معنایی، حرف اضافه /*læ*/ نشانگر رابطه تقابل میان دو چیز یا دو شخص که یکی درواقع همان شیء متحرک و دیگری زمینه ثابت است. در این رابطه آن دو با هم مورد مقایسه قرار می‌گیرند؛ مانند معانی مجزای /*læ*/ که گویشوران آن را در کاربردهای متفاوتی که در ذیل در کردی کلهری آمده است، به کار می‌برند. معانی مجزای ذیل گویای کاربردهای مختلف معنایی این حرف اضافه است.

۲.الف. مفهوم مقایسه‌ای

در اینجا حرف اضافه /*læ*/ چیزی یا شخصی را با دیگری مورد ارزیابی و سنجش قرار می‌دهد. به عبارتی، شیء متحرک در یک ویژگی خاصی با زمینه ثابت ارزیابی و سنجیده می‌شود.

5. *læ* li: nijæ.
mesle ʔu: nist

«بی‌نظیر است».

6. *læ* wi:næj nijæ.
hæmtæe bæra-j-æš nist.

«همتابی برایش نیست»

۲.ب. مفهوم معاوضه‌ای

در این معنای مورد استفاده از /*læ*/ می‌توان گفت که این حرف اضافه در کردی کلهری، مفهوم جانشینی را با خود حمل می‌کند و چیزی یا کسی را به جای چیز یا کس دیگری جایگزین می‌کند.

7. læ dʒi: dærs xwæni:n, čijæsæ bazi kerdən.
 ʔæwæze dærs xandæn, ræfte bazi kærdæn

«عوض درس خواندن، رفته بازیگوشی».

8. læ to bu: mɛ bečmæ ʃeʒ-ya!
 dʒa-j-e to baš æm bahaš bedʒæŋ-ʃæm

«تو می‌خواهی باهاش بجنگم، اما من که جای تو نیستم».

9. læ dʒi: mən bʊ:d, čæ kei?
 dʒa-j-e mæn baši, čekar mikoni?

«جای من باشی چکار می‌کنی؟».

۲. ج. مفهوم مقابله‌ای

در این مفهوم، برای حرف اضافه /læ/ در کله‌ری معنا و مفهوم «در برابر» و «در مقابل» رمزگذاری شده است.

10. læ mənə to či:dæ.
 fekr kærd-æm to ræfte-h-ee

«من فکر کردم که تو رفته‌ای، (اما نرفته بودی)».

11. læ xwæmə to nan sənida.
 fekr kærd-æm to nan xaridi.

«من فکر کردم که تو نان خریده‌ای، (اما نخریده بودی)».

۳. خوشه با هم‌آیی^{۱۷}

حرف اضافه /læ/ در کاربردهای مختلف، معنای «با هم‌آیی» را برای گوینده و شنونده تداعی می‌کند که نوعی همراهی و ارتباط را بین شیء متحرک و زمینه ثابت نشان می‌دهد. بنابراین، این حرف اضافه درواقع مفهومی را می‌رساند که با مفهوم «باهم» بودن در ارتباط است و در خوشه معنایی «باهم‌آیی» قرار می‌گیرد.

۳. الف. مفهوم به دنبال، در پی

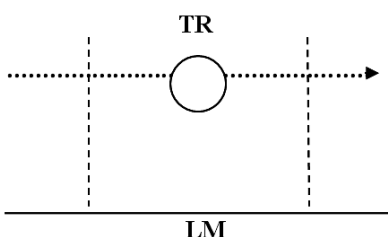
اولین معنایی که در خوشه «با هم‌آیی» درمورد این حرف اضافه در کردی کله‌ری مورد استفاده گویشوران قرار می‌گیرد، معنای «به دنبال/در پی» است که درواقع نشانگر نوعی «ارتباط» و «باهم بودن» است که در کاربردهای مختلف آن موردنظر است؛ مانند نمونه زیر:

12. **læ** šu:n-e ʔæwæ donja- m ʔaxæræ.
bæʔd ʔæz ʔu: donja bærajæm be ʔaxær reside

«بعد/ز او دیگر دنیا برایم به آخر رسیده است»

۳.ب. مفهوم روی، بالای

مفهوم «روی/بالای» از دیگر مفاهیم این حرف اضافه شمرده می‌شود. نمای فضایی که حرف اضافه /læ/ در این مفهوم از خود نشان می‌دهد، شیء متحرک روی زمینه ثابت قرار دارد که در شکل زیر نمایش داده شده است.



شکل ۲: نمای فضایی مفهوم «روی/بالای» حرف اضافه /læ/ (Evans & Green, 2006: 334)

Figure 2. Spatial scene of the “over” concept of the preposition /læ/

13. mixi **læ** sæqf-æw ʔawizan -æ.
mixi **ru:-j-e** saqf ʔavizan ʔæst

«میخی روی سقف آویزان است»

14. čænæ bi:sətu:n qæm **læ** ku:ləm -æ
be ʔændaza-j-e bisetu:n qæm **ru:-j-e** ku:ləm ʔæst

«به اندازه کوه بیستون، غم روی دوشم دارم»

15. mixi **læ** diwar kot-ya-s.
mixi **ru:-j-e** diwar zاده šodeh ʔæst

«میخی روی دیوار زده شده»

۳.ج. مفهوم همراهی

حرف اضافه /læ/ در معنا و مفهوم «همراهی» نیز به کار می‌رود که به گونه‌ای معنای «با»، یعنی، «همراه بودن» از آن استناد می‌شود.

16. **læ** Jærd -ma hat.

hamrah-e mæn ʔamæd

«همراه من آمد».

17. læ ʔærd jækə ʧi:mæn.
 hæmrah-e hæm ræftim

«همراه باهم رفتیم».

۴. خوشه چندمعنایی^{۱۸}

حرف اضافه /læ/ در مفهوم و معنای دیگر حروف اضافه، به غیر از حرف اضافه «از»، هم به کار می رود که کاربرد آن ها را می توان در مفاهیم مجزای آن در جمله های ذیل مشاهده کرد.

۴.الف. معنای حرف اضافه «به»

حرف اضافه /læ/ در معنای حرف اضافه «به» هم به کار می رود. نمونه هایی که در ذیل آمده گویای آن است.

18. læ fəkr -əm bu:
 be fekr -æm baš

«به فکر من باش».

19. mæn læ to læ dæl ʔærdəm.
 mæn ʔæz to be dæl gereftəm

«من از تو به دل گرفتم».

۴.ب. معنای حرف اضافه «در»

گویشوران کردی کلهری از حرف اضافه /læ/ در معنای حرف اضافه «در» هم مانند نمونه های زیر استفاده می کنند.

20. læ ʔi: malæ mæ di: dʒi: næjrəm.
 dær ʔin xane mæn diʔær dʒæe nædarəm

«من در این خانه دیگر جایی ندارم».

21. mæn ʔadæt di:rəm læ ʔi: otaq-æ dærs bexwænəm.
 mæn ʔadæt darəm dær ʔin otaq dærs bexanəm

«عادت دارم در این اتاق درس بخوانم».

22. læ ʔi: zəu-wæ, mæn bæʃl-g næjrəm.
 dær ʔin zæmin mæn səhmi nædarəm

«من سهمی در این زمین ندارم».

۵. خوشه مکان - زمان

۵.الف. مفهوم آغاز

23. læ ʔæw ru:ž-æ kə dimæ -t, del pæšiwem.
ʔæz ʔan ru:zi kə didæm to ra, del neʔæranæm
«از آن روزی که تو را دیدم حال خوبی ندارم».

24. læ ʔæw ru:ž-æ ta ʔælan ru:ž-e xwæš næjm-æ.
ʔæz ʔan ru:z ta hala ru:z-e xoši nædide-h-æm
«از آن روز تا حالا روز خوش به چشم ندیدم».

25. læ ʔi:ra ta taq-o-san ri: dæ:ri-ʔ -æ.
ʔæz ʔindza ta taq-e bostan rah derazi ʔæst
«از اینجا تا طاق بستان راه درازی است».

در مثال ۲۳ و ۲۴، /læ/ نشانه ابتدای زمان است؛ اما در مثال ۲۵، نگاشت مورد نظر از حوزه زمان به حوزه مکان انتقال می‌یابد.

۵.ب. مفهوم در طول مدت

یکی از مفاهیم حروف اضافه /læ/ و /wæ/ نشان دادن «بازه زمانی»، یعنی مدت زمان است که مثال‌های زیر این مفهوم را به خوبی تأیید می‌کنند.

26. læ šæw o ru:ž kæræm zarij -æ.
tæmame šæb o ru:z kæræm zari kæræn ʔæst
«تمام شبانه روز کارم زاری کردن است».

27. læ zendæʔ-im læj-wa næjmæ.
tæmame zendeʔ-im ʔindzu:ri nædide-h-æm
«در طول مدت عمرم اینجوریشو ندیده‌ام».

۶. خوشه استعاری^{۱۹}

حرف اضافه /læ/ مفهومی را می‌رساند که از حوزه عینیت خارج است و با حوزه‌های انتزاعی ارتباط دارد. بنابراین، گویشوران این حرف اضافه را در کردی کلهری در خوشه استعاری

۶. الف. مفهوم علت، سبب

در برخی بافت‌ها همچون مثال‌هایی که در زیر آمده است، از این حروف اضافه، معنا و مفهوم «سببیت» را می‌توان برداشت کرد که علت انجام کار یا عملی را نشان می‌دهد.

28. *læ* *du:ri: t næmæn-jæ dʒæsæm.*
bexatere *du:ri: to næmande dʒesmaem (ʔæz bæjn ræfte-h-æm)*
 «به خاطر دوریت از بین رفته‌ام».

29. *læ sær* *ʔæw karæ, wægærði: qæhr-æm.*
bexatere *ʔan kar, bahaš qæhr-æm*

«به خاطر آن موضوع باهاش حرف نمی‌زنم».

30. *læ sær* *ʔæw dʒærjan-æ mæ narahætæm.*
bexatere *ʔan mowzuʔ mæn narahætæm*
 «به خاطر آن موضوع ناراحتم».

۶. ب. مفهوم شدت و اندازه

همان‌گونه که در مثال‌های زیر نشان داده شده است، حروف اضافه *læ* / و *wæ* / در مفهومی برای «بیان اندازه و یا مقداری از چیزی» نیز به کار می‌روند.

31. *læ bæš* *særæm šolu:q -æ, naw xwæm læ jad-æm čijæ.*
be hædi *særæm šoluq ʔæst, name xodæm ra ʔæz jad bord-æm*
 «به حدی سرم شلوغه که اسم خودم رو هم فراموش کردم»

32. *læ* *xwæšhali: dæs læ pa nænasl.*
ʔæz šedæte *xošhali dæst o pa ra ʔæz hæm nemišenaxt (ʔæz xod bi xod šodæn)*
 «از شدت خوشحالی از خود بیخود شده بود».

۶. ج. مفهوم استواری، مقاومت

حروف اضافه *læ* / و *wæ* / در کنار کلمه «پا» که نشان از استقامت و استواری و نیز ثبات دارد، در مفهوم استعاری مقاومت و استواری به کار رفته است. بنابراین، مشاهده می‌شود که نگاشت موردنظر از حوزه عینیت به حوزه انتزاع انتقال یافته و مفهومی استعاری از این حروف اضافه به دست داده است.

33. *læ šu:n* *dʒæŋ, ʔi: šaræ læ xasi ha læ pawæ*
bæʔd ʔæz dʒæŋ, ʔin šæhr be xater-e rasti-j-æš ʔ ast pabærdʒ.

«بعد از جنگ، این شهر به خاطر راستی‌اش همچنان **پابرجاست**».

۶.د. مفهوم درباره، راجع به، درخصوص

حروف اضافه /læ/ و /wæ/ در معنا و مفهوم «درباره» و امثال آن نیز در بافت به‌کار می‌روند. در مثال زیر، این حرف اضافه با همین معنای موردنظر به‌کار رفته است.

34. læ xwæd bæ:š ?æraman.

«در مورد خودت برایمان بگو».

dær mowredə xodet begu bæraĵeman

۶.ه. مفهوم اجبار

این حرف اضافه در معنای «اجبار» برای انجام کاری نیز به کار می‌رود که مثال داده‌شده در زیر مؤید این مطلب است.

35. læ nalandĵi: ĉi:-m-æ karĵæri.
mædĵbur šodæm ræf-t-æm karĵæri

«مجبور شدم که برم کارگری کنم».

۶.و. مفهوم طرفداری

معنا و مفهوم دیگری که از حرف اضافه /læ/ برداشت می‌شود، معنای استعاری آن است که البته با حوزه انتزاعی در ارتباط است و از حوزه عینیت خارج می‌شود.

36. du:sæjl-əm læ særæm dæratən.
du:stan-əm tæræfdari ?æzæm kærdaen

«دوستانم از من طرفداری کردند».

۶.ز. مفهوم از بابت، از جهت

حرف اضافه /læ/ مفهوم «از بابت» را رمزگذاری کرده و درواقع وارد حوزه «انتزاع» شده است.

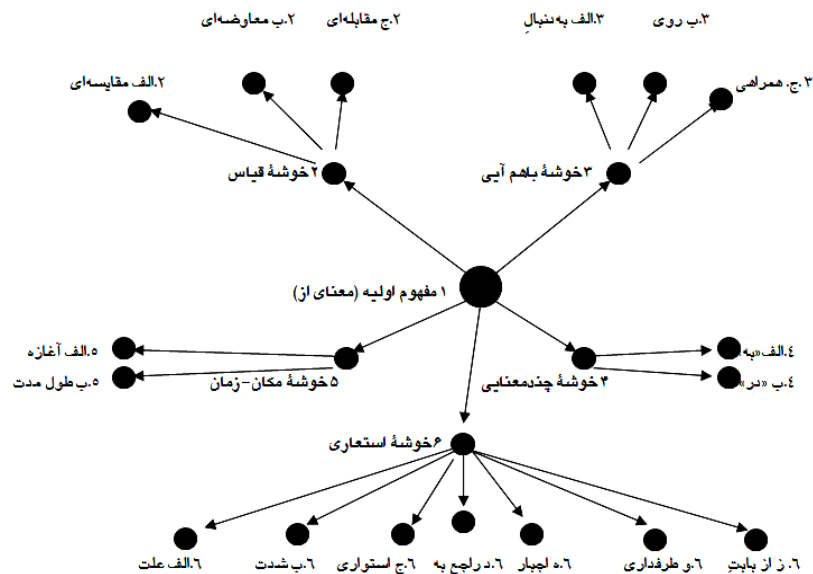
37. næ læ menal šans di:rem næ læ šu:
næ ?æz babatə bæče šans daræm næ ?æz babæte hæmsær

«نه از بابت بچه شانس دارم و نه از بابت شوهر».

۱-۵. شبکه معنایی معناهای مختلف حروف اضافه /læ/ و /wæ/

همان‌گونه که نشان داده شد، حروف اضافه /læ/ و /wæ/ در هجده معنا و مفهوم متفاوت در بافت‌های مختلف به کار می‌روند که از بین آن‌ها معنای «از» معنای اولیه و بقیه معانی در پنج

خوشه معنایی که نمودار آن در ذیل نیز آمده است، به کار رفته‌اند.



شکل ۳: شبکه معنایی حرف اضافه /læ/ و /wæ/ در کردی (گویش کلهری)

Figure3. Semantic network of the preposition /læ/ & /wæ/ in Kalhori Kurdish

۲-۵. معانی مجزای مختص حرف اضافه /wæ/

علاوه بر کاربردهای معنایی که برای /wæ/ در بالا ذکر شد، /wæ/ در دو معنای متفاوت دیگر نیز به کار می‌رود که نمی‌توان از /læ/ به جای آن استفاده کرد. بنابراین، در نمونه‌هایی که در ذیل برای این دو معنای مجزا ذکر شده‌اند تنها از حرف اضافه /wæ/ می‌توان استفاده کرد.

۱. مفهوم «به‌وسیله»

علاوه بر هجده معنایی که در بالا ذکر شد، معنای دیگری که گویشوران در بافت‌های مختلف از حرف اضافه /wæ/ به کار می‌برند، معنای «با استفاده از / به‌وسیله» است که گویشوران پیش از نام ابزار یا وسیله‌ای که با آن کاری انجام می‌شود به کار می‌برند. مثال‌های زیر این ادعا را

تأیید می‌کنند.

38. wæ xodkar benə:s.
bevasilæjə xodkar benevis

«به‌وسیله خودکار بنویس»

39. wæ hæwapæjma činæ Tehran.
bevasilæjə hævapæjma ræftand Tehran

«به‌وسیله هواپیما به تهران رفتند».

40. wæ liwan ?aw bexowæ-n.
bevæsilæjə liwan ?ab bexorid

«به‌وسیله لیوان آب بخورید»

۲. مفهوم حرف اضافه «به»

/wæ/ در معنا و مفهوم حرف اضافه «به» نیز به کار می‌رود که اگرچه /læ/ هم به این معنا نیز به کار می‌رود؛ اما در این کاربرد نمی‌توان از حرف اضافه /læ/ استفاده کرد. نمونه‌های زیر تأییدی بر این ادعا هستند.

41. ?æwan wæ men ræ?j dan.
?anha be mæn ræ?j dadænd

«آنها به من رأی دادند»

42. wæ xater xoda!
be xater-e xoda!

«به خاطر خدا!»

43. wæ xater mæn.
be xater-e mæn

«به خاطر من»

همچنین در کلمات مرکب "دست‌به‌دست"، "سربه‌سر" و امثال آن به جای حرف اضافه "به" در کردی کلهری از حرف اضافه /wæ/ استفاده می‌شود که البته در این جایگاه نیز /læ/ نمی‌تواند به کار رود.

sær wæ sær / dæs wæ dæs

همچنین قبل از نام‌هایی که ما به آن‌ها قسم می‌خوریم تنها از /wæ/ استفاده می‌شود. نمونه‌های زیر تأییدی بر این ادعا هستند.

44. wæ xoda!
 be xoda!

«به خدا قسم»

45. wæ pæjqæmær!
 be pæjqæmær

«به پیغمبر قسم»

46. wæ Jjan menalæ-g -anem.
 be dʒan-e bačeha-j -æm

«به جان بچه‌هایم قسم»

47. wæ Jjan dalæg -æm.
 be dʒan-e madær -æm

«به جان مادرم قسم»

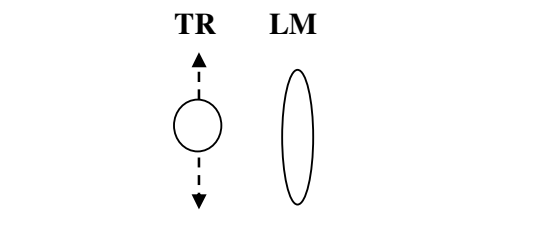
۳-۵. معنای مجزای حرف اضافه /wægærd/

حرف اضافه /wægærd/ یکی از حروف اضافه مورد استفاده در گویش کردی کلهری است که گویشوران در بافت‌های مختلف آن را با معانی متفاوت و مرتبط با هم به کار می‌برند. به منظور بررسی چندمعنایی این حرف اضافه، در ذیل به تحلیل و واکاوی همه معنای متفاوتی که گویشوران در بافت‌های مختلف از آن برداشت می‌کنند می‌پردازیم.

۱. معنای سرنمون

۱.الف. مفهوم «با»

اولین معنا و مفهومی که از حرف اضافه /wægærd/ به ذهن گویشور متبادر می‌شود، معنای «با» و «کنار کسی یا چیزی بودن» است. در این معنا، این حرف اضافه حالتی را نشان می‌دهد که در آن دو عنصر شیء متحرک و زمینه ثابت در کنار هم قرار دارند. در شکل ۴ نمای فضایی مکانی این حرف اضافه نشان داده شده است.



شکل ۴: نمای فضایی - مکانی حرف اضافه /wægærd/ در کردی (گوش کلهری)
(بامشادی و همکاران، ۱۳۹۵: ۶۵)

Figure 4. Spatial Scene of the "accompaniment" Concept of the Preposition
/wægærd/

مثال‌های زیر مؤید آن است که این حرف اضافه در مفهوم و معنای اولیه «با» به کار برده می‌شود.

48. wægærd ?i: halæ to diri, ?æw kar-æ neyæker-jaj.
ba ?in hali to dari, ?an kar ?ændzam nemiše

«با این حالی که تو داری، نمی‌توانی آن کار را انجام بدهی»

49. wægærd ?i: ?æwza?i: ke piš hawerdi-dæ.
ba ?in ?æwzaee ke piš ?aværđi

«با این اوضاعی که پیش آوردی.»

50. wægærd deləm čæb kæm!
ba deləm če kar konæm!

«با دلم چکار کنم!»

51. wægærd ton-a čæb kæm!
ba šoma če kar konæm!

«با شما چکار کنم!»

52. wægærd zendæg-im-a čæb kæm!
ba zendegi-j-æm če kar konæm!

«با زندگی‌ام چکار کنم!»

53. wægærd -jana bu:š.
ba ?anha sohbæt kon

«با آن‌ها صحبت کن»

54. wægærd -a kari-g neyræm.
 ba šoma kari nædaræm

«با شما کاری ندارم»

۲. خوشه باهم آیی

مفاهیم «کمک و همکاری»، «ارتباط»، «وسیله و ابزار» و «همراهی» همگی مفاهیمی هستند که از معنای حرف اضافه wægærd/ در بافت‌های مختلف برداشت می‌شود. مفهوم «با هم آیی» که خود مؤید این چهار مفهوم است، به گونه‌ای نشانه نوعی نزدیکی و کنار هم بودن است که در مثال‌های داده شده زیر هر کدام از این مفاهیم مجزا به کار رفته است

۲.الف. مفهوم کمک و همکاری

معنای دیگری که از حرف اضافه wægærd/ در بافت‌های مختلف به دست می‌آید، معنا و مفهوم «کمک و همکاری» است که مثال‌های زیر به خوبی مؤید آن است.

55. wægærd baw-gem-a qærz-æ-gan-æm damow.
 ba komak-e pedæræm qærz-ha-j-æm ra pæs dadæm

«با کمک پدرم قرض‌هایم را پس دادم.»

56. wægærd jæk-a mal-æ-gæ kiša-jm.
 ba komak-e hamdiJær xaneh- ra kešidi-m

«با کمک هم خانه را کشیدیم.»

۲.ب. مفهوم ارتباط

این حرف اضافه در مفهومی که «ارتباط» نیز به کار می‌رود نوعی «رابطه سببی و نسبی» را نشان می‌دهد. این مفهوم در مثال‌های زیر به خوبی مشاهده می‌شود.

57. ?æli-o ?æsæl wægærd jæk-a bera -w- xwæjš-k-æn.
 ?æli-o ?æsæl ba hæm bærædær -o- xahær hæstæn

«علی و عسل با هم برادر و خواهرند.»

58. Jæwad wægærd Reza qesæ nejækæ-j.
 Jævad ba Reza hærf nemizane

«جواد با رضا حرف نمی‌زند.»

۲. ج. مفهوم وسیله/ابزار

گویشورانِ کلهر /wægærd/ را در معنا و مفهوم «وسیله و ابزار» نیز به کار می‌برند. مثال‌های زیر گویای آن است.

59. wægærd	tænab	ʔæsba-wæ-gan	berdim-næ	ban.
bevæsilæ-j-e	tænab	ʔæsbab-ha ra	bordim	bala

«به وسیله طناب اسباب را بالا بردیم.»

60. qofl-e	dæræ-gan	wægærd	kelil	wa	kærdim.
qofl-e	dær-ha ra	bevæsilæ-j-e	kelid	baz	kærdim

«به وسیله کلید قفل درها را باز کردیم.»

61. wægærd	čæ	či:d-æ	danešgah?
bevæsilæ-j-e	če	ræfti	danešgah?

«با چه وسیله‌ای دانشگاه میری؟»

62. wægærd	mixi-g	diwar -ægæ	kona	kærd.
bevæsilæje	mixi	divar ra	surax	kærd

«به وسیله میخی دیوار را سوراخ کرد.»

۲. د. مفهوم همراهی کردن

حرف اضافه /wægærd/ در معنا و مفهوم «همراهی کردن کسی» نیز مورد استفاده قرار می‌گیرد تا در این مفهوم نوعی با هم‌آیی را میان TR و LM نشان دهد. این تداعی رابطه میان شیء متحرک و زمینه ثابت، همراهی آن‌ها را به خوبی با هم نشان می‌دهد. مثال‌های زیر دلیل محکمی برای این ادعاست.

از /wægærd/ در جملات زیر، معنای «همراهی» استنباط می‌شود.

63. wægærd-e	ki-ja	či:d	-æra	šomal?
hæmrahe	če kæsi	ræfti	be	šomal

«همراه چه کسی به شمال رفتی؟»

64. mēm	wægærd	reza-ja	čem	-æra	šomal.
mæn	hæmrahe	reza	mirævæm	be	šomal

«من همراه رضا رفتم به شمال.»

۳. خوشه قیاس

«قیاس» خوشه‌ای معنایی هست که دارای سه مفهوم و معنای مجزاست. در این خوشه معنایی،

حرف اضافه /wægærd/ نشانگر رابطه تقابل میان دو چیز یا کس که یکی درواقع همان شیء متحرک و دیگری زمینه ثابت است. در این رابطه، آن دو با هم مورد مقایسه قرار می‌گیرند. معانی زیر، گویای کاربردهای مختلف معنایی این حرف اضافه در معنای قیاس و سنجش است.

۳. الف. مفهوم مقایسه‌ای

در اینجا حرف اضافه /wægærd/ چیزی یا کسی را با دیگری مورد ارزیابی و سنجش قرار می‌دهد. به عبارتی، شیء متحرک در یک ویژگی خاصی با زمینه ثابت ارزیابی و سنجیده می‌شود. این معنای /wægærd/ را در مثال‌های زیر می‌توان مشاهده کرد.

65. sæwad-e men wægærd ?æwæ ?i:ra ta ?aseman -æ.
 sævade mæn dær moqajese (ba savad) ?u: ?indga ta ?aseman ?æst

«سواد من در مقایسه با سواد او خیلی بیشتر است»

۳. ب. مفهوم معاوضه‌ای

مفهوم «تعویض کردن» از دیگر مفاهیمی است که می‌توان از /wægærd/ برداشت کرد. در این معنا، چیزی با چیز دیگر معاوضه می‌شود. این معنا را از مثال زیر می‌توان فهمید.

66. mašin-ægæ wægærd mali-g sær wæ sær kerdæm.
 mašin- ra ?ævaz xaneh-ee ba kærdæm

«ماشین را با خانه‌ای عوض کردم»

۳. ج. مفهوم مقابله‌ای

مفهوم «مقابله‌ای» از دیگر مفاهیمی به‌شمار می‌رود که نوعی تقابل و رویارویی میان دو کس یا دو چیز را نشان می‌دهد. این رویارویی و تقابل را به‌وضوح می‌توان در نمونه‌های زیر مشاهده کرد.

67. men wægærd ?i: pe-ja moškæl di:ræm.
 mæn ba ?i:n mærd moškel daræm

«من با این مرد مشکل دارم.»

68. men wægærd to ?aweman wæ jæj dzu: nejæču:
 mæn væ to ba hæm tæfahom nædarim

«من و تو باهم تفاهم نداریم.»

69. Jæwad wægærd tona mejan-æj xas nej-æ.
 Jævad ba to mejana-j-e xubi nædare

«جواد با تو میانه خوبی نداره.»

۴. خوشه استعاری

حرف اضافه /wægærd/ مفهومی را می‌رساند که از حوزه عینیت خارج است و با حوزه‌های انتزاعی ارتباط دارد، بنابراین گویشوران این حرف اضافه را در کردی کلهری در خوشه استعاری شبکه‌های معنایی به کار می‌برند.

۴. الف. مفهوم راجع به، درباره

حرف اضافه /wægærd/ در معنا و مفهوم «درباره، راجع به» و امثال آن نیز به کار گرفته می‌شود. مثال زیر مؤید این مطلب است.

70. wægærd	ʔemtan-æjl-ed	če	xæwær?
radʒeʔ be	ʔemtæhan-ha-j-æt	če	xæbær?

«راجع به امتحانات چه خبر؟»

۴. ب. مفهوم منظور، هدف

/wægærd/ در معنا و مفهومی که منظور و هدفی را بخواهد بیان کند نیز مورد استفاده قرار می‌گیرد. مثال‌های زیر این مطلب را نشان می‌دهند.

71. wægærd-e	mæn-iʔ
mænzuret	mæn-æmʔ

«منظور شما من هستم؟»

72. wægærd-e	tonem.
mænzur-æm	to hæsti

«منظور من تو هستی.»

۴. ج. مفهوم انجام عمل

یکی دیگر از مفاهیمی که از این حرف اضافه برداشت می‌شود، معنای «انجام دادن کار یا عملی» است که گویشوران از آن در جملات خود استفاده می‌کنند. مثال‌های زیر دلیلی بر این ادعا هستند.

73. wægærd	ʔi:	kar-æ	xow-æm	bædbæxt	kærdæm.
ba ʔændʒame	ʔi:n	kar	xod-æm ra	bičare	kærdæm

«با انجام این کار خودم را بیچاره کردم.»

74. wægærd	ʔi:	mæʔaməl-æ	xow-æj	xesæ	hæčæel.
ba ʔændʒame	ʔi:n	mæʔamele	xod-æš ra	ʔændaxt	be sæxti

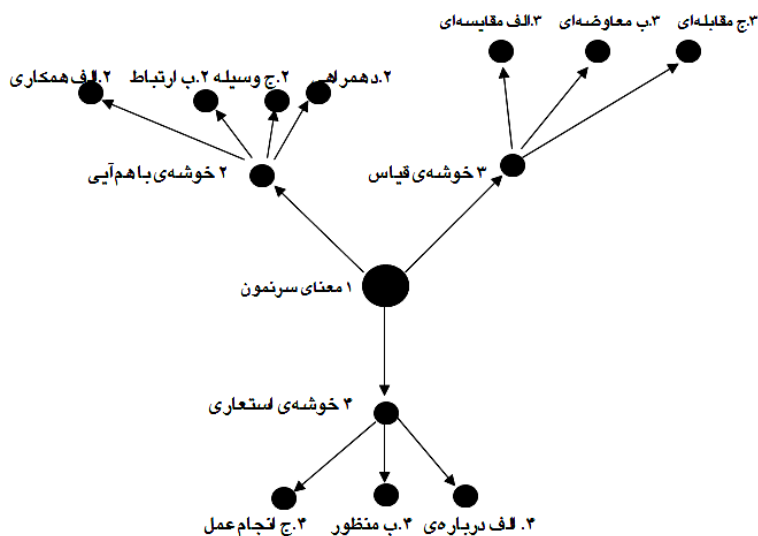
«با انجام این معامله خودش را به سختی انداخت.»

75. wægærd	ʔi:	kar-æ	fateh-æj	xowæn-jas.
ba ʔændʒame	ʔi:n	kar	fatehe-æš	xandæs

«با انجام این کار، فاتحه‌اش خوانده س.»

۱-۳-۵. شبکه معنایی معانی مختلف حرف اضافه /wægærd/

با توجه به معانی به دست آمده حرف اضافه /wægærd/ مشخص شد که این حرف اضافه دارای ده معنای متمایز، «همراهی»، «کمک و همکاری»، «ارتباط»، «وسیله و ابزار»، «مقایسه‌ای»، «معاوضه‌ای»، «مقابله‌ای»، «راجع به»، «منظور و هدف» و «انجام عمل» است و از سه خوشه معنایی «با هم‌آیی»، «قیاس» و «استعاری» تشکیل شده است. پس از واکاوی این حرف اضافه در کردی کلهری، شبکه معنایی زیر به دست داده شد.



شکل ۵: شبکه معنایی حرف اضافه /wægærd/ در کردی (گوش کلهری)

Figure 5. Semantic network of the preposition /wægærd/ in Kalhori Kurdish

۴-۵. معانی مجزای حرف اضافه /wæpi/

/wæpi/ یکی از حروف اضافه مورد استفاده در گویش کردی کلهری است که گویشوران از آن

در بافت‌های مختلف و با معانی متفاوت و مرتبط با هم استفاده می‌کنند. تفاوتی ویژه‌ای که /wæpi/ با دیگر حروف اضافه دارد، این است که شناسه‌های فاعلی (همچون -i, -d, -m و غیره) را حتماً باید با خود همراه داشته باشد. به‌منظور بررسی چندمعنایی این حرف اضافه، در ذیل به تحلیل و واکاوی همه معنای متفاوتی که گویشوران از آن در بافت‌های مختلف برداشت می‌کنند، می‌پردازیم.

۱. معنای سرنمون

۱. الف. مفهوم «به»

نخستین معنایی که از بیان /wæpi/ در ذهن هر گویشور کردی کلهری نقش می‌بندد، مفهوم «به» است و از آن به‌عنوان مفهوم اولیه‌ای یاد می‌کنند که همه معانی دیگر و غیرمرکزی آن را نیز در برمی‌گیرد. این معنای سرنمون به‌گونه‌ای همه ویژگی‌های معانی دیگر را با خود حمل می‌کند. مثال‌های زیر تأییدی بر این ادعا هستند.

76. ketaw-ægæ wæpi dam-æ.
ketab-ra be-ʔu dade-h-æm

«من کتاب را بهش (به او) دادم.»

در مثال بالا، /wæpi/ در حالت سوم شخص مفرد فاقد شناسه است.

77. wæpi -m wet.
be -mæn goft

«به من گفت.»

78. wæpi -d ʔu:šəm.
be -šoma xahæm goft

«به شما خواهم گفت.»

۲. خوشه مقابله‌ای

مفهوم «مقابله‌ای» ازجمله مفاهیمی به‌حساب می‌آید که نوعی رویارویی و تقابل میان دو کس یا دو چیز را نشان می‌دهد. /wæpi/ با داشتن معانی متفاوتی همچون «دعوا»، «بدی» و «بلا» در بافت‌های مختلف، تداعی‌گر این مفهوم است. مثال‌های زیر تأکیدی بر معنای تقابلی آن است.

۲. الف. مفهوم دعوا

/wæpi/ با فعل "کردن" /kərdən/ در معنا و مفهومی به کار می‌رود که نوعی تقابل و رویارویی با فردی را به حالت جنگ و دعوا نشان می‌دهد. این رویارویی را می‌توان در مثال‌ها و نمونه‌هایی که در زیر آمده است، مشاهده کرد.

79. ta dɛləm towas wæpi kərdəm.
ta dɛləm xast dæʔvaʃ kərdəm

«تا جایی که توانستم، باهاش دعوا کردم.»

80. baʃæ! wæpi-m bəkæ.
baʃe! dæʔv-am bokon

«باشه! باهام دعوا کن.»

۲. ب. مفهوم بدی و ظلم

یکی دیگر از مفاهیمی که /wæpi/ در خود نهفته دارد، زمانی آشکار می‌شود که گویشوران این حرف اضافه را همراه با فعل "کردن" /kərdən/ و ضمیر پرسشی "چه" /čæ/ در جملات پرسشی به کار می‌برند. مثال‌های زیر مؤید این مطلب هستند.

81. mæʃæ mən čæ wæpi-d kərdəm?
mæʃær mæn če bædi- be šoma kərdəm?

«مگر من چه بدی‌ای در حق تو کردم؟»

82. mæʃæ mən čæ wæpi-jan kərdəm-æ?
mæʃær mæn če bædi-be ʔanha kərdeh-æm?

«مگر من چه بدی‌ای به آن‌ها کرده‌ام؟»

۲. ج. مفهوم بلا و مصیبت

مفهوم دیگری که حرف اضافه /wæpi/ با خود حمل می‌کند، زمانی است که گویشوران، آن را همراه با فعل "کردن" /kərdən/ و ضمیر تعجبی "چه" /čæ/ در جملات تعجبی به کار می‌برند. نمونه‌های زیر تأکیدی بر این ادعاست.

83. čæ wæpi-m hat!
če bælae- be særæm ʔamæd!

«چه بلایی به سرم آمد!»

84. waj čæ wæpi-m kərɖi!
vaj če bælae- be særæm ʔavərɖi!

«وای چه بلایی به سرم آوردی!»

۳. خوشه معنایی مفهوم درمورد، راجع به

از دیگر مفاهیمی که /wæpi/ با خود به همراه دارد و در برخی بافت‌ها، آن معنا از آن استنباط می‌شود، مفهوم «در مورد و راجع به» است که با کمی دقت در نمونه‌های زیر می‌توان صحت این ادعا را ثابت کرد.

85. wæpi-ja wetəm.
dær mowred-æš goftəm

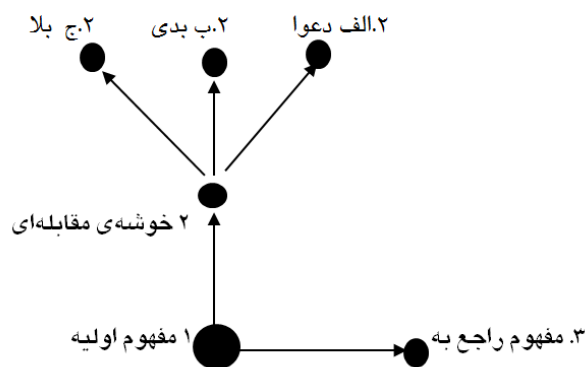
«در موردش گفتم.»

86. wæpi-da ʔu:šəm.
dær mowrede-šoma xahəm goft

«در مورد شما خواهم گفتم.»

۱-۴-۵. شبکه معنایی معناهای مختلف حرف اضافه /wæpi/

با توجه به معانی به دست آمده حرف اضافه /wæpi/ مشخص شد که این حرف اضافه با معنای سرنمون «به»، دارای پنج معنای متمایز، «به»، «دعوا»، «بلا»، «بدی» و «درباره»، راجع به» است و از دو خوشه معنایی «مقابله‌ای» و «درباره» تشکیل شده است. پس از واکاوی این حرف اضافه در کردی کلهری، شبکه معنایی زیر به دست داده شد.



شکل ۶: شبکه معنایی حرف اضافه /wæpi/ در کردی کلهری

Figure 6. Semantic network of the preposition /wæpi/ in Kalhori Kurdish

۶. نتیجه

تمرکز اصلی این مقاله بر حروف اضافه در گویش کلهری کردی است. در انجام این پژوهش، پس از واکاوی معانی مجزای برخی حروف اضافه و براساس رویکرد چما (Evans & Tyler, 2004a, 2004b; Evans & Green, 2006) در معنی‌شناسی شناختی مشخص شد که معنای سرنمون /læ/ و /wæ/، که در برخی موارد به جای هم با معنای یکسان و کاربرد یکسان مورد استفاده قرار می‌گیرند، «از» است که در شبکه معنایی آن هجده معنای متمایز و پنج خوشه معنایی وجود دارد، با این تفاوت که /wæ/ علاوه بر این هجده معنای متمایز، در دو معنای متمایز دیگر به کار می‌رود که /læ/ نمی‌تواند در آن جایگاه‌ها به کار رود. از این رو، معنای سرنمون /wæ/ «از» بوده و در شبکه معنایی آن بیست معنای مجزا به دست آمده است. معنای سرنمون /wægærd/ «با» است که در شبکه معنایی آن یازده معنای متمایز و سه خوشه معنایی وجود دارد. همچنین، حرف اضافه /wæpi/ دارای معنای سرنمون «به» است که دارای پنج معنای متمایز و دو خوشه معنایی است. در همین راستا، می‌توان گفت که پژوهش‌هایی از این دست می‌تواند در تسریع امر آموزش واژگان و ازجمله آموزش معنای حروف اضافه که در بافت‌های مختلف دارای معانی متفاوت و مرتبط باهم هستند، برای زبان‌آموزان مفید باشد.

۷. پی‌نوشت‌ها

1. The principled polysemy approach
۲. نویسنده با استفاده از سرواژه‌های به‌کاررفته در رویکرد شناختی واژه جدید "چما" را به دست داده است.
3. Langaker
4. Lackoff
5. Johnson
6. Evans & Green
7. prototype
8. image schemas
9. categorization
10. Wittgenstein
11. peripheral meaning
12. trajector
13. landmark
14. argument

15. motivation
16. contrast cluster
17. collocation cluster
18. polysemy cluster
19. metaphoric cluster

۸. منابع

- بامشادی، پارسا و همکاران (۱۳۹۵). «بررسی معنایی سه حرف اضافه *æra*، *ta* و *wæl* در کردی گورانی از دیدگاه شناختی». *جستارهای زبانی*. د ۷. ش ۴. صص ۵۹-۸۰.
- راسخ‌مهند، محمد (۱۳۸۹). *درآمدی بر زبان‌شناسی شناختی: نظریه‌ها و مفاهیم*. تهران: سمت.
- زاهدی، کیوان و عاطفه محمدی زیارتی (۱۳۹۰). «شبکه معنایی حرف اضافه فارسی «از» در چارچوب معنی‌شناسی شناختی». *تازه‌های علوم شناختی*. د ۱۳. ش ۱. صص ۶۷-۸۰.
- گلفام، ارسلان و فاطمه یوسفی راد (۱۳۸۸). «رویکرد معناشناسی شناختی به حروف اضافه مکانی زبان فارسی از منظر آموزشی، مطالعه موردی: حرف اضافه در». *پژوهش زبان‌های خارجی*. ش ۵۶ (ویژه‌نامه انگلیسی). صفحات ۱۶۷-۱۷۹.
- گلفام، ارسلان و همکاران (۱۳۸۸). «بررسی حرف اضافه (از) در چارچوب معناشناسی شناختی و مقایسه آن با رویکرد سنتی». *زبان و زبان‌شناسی*. د ۵. ش ۱۰. صفحات ۶۹-۸۰.
- یوسفی راد، فاطمه (۱۳۸۷). *بررسی حروف اضافه زبان فارسی در چارچوب معناشناسی شناختی با نگاه ویژه به حروف اضافه مکانی*. رساله دکتری زبان‌شناسی همگانی. دانشگاه تربیت مدرس.

References:

- Bamshadi, P. et. al., (2016). "Semantic analysis of prepositions *wæl*, *ta* & *æra* in Gurani Kurdish within the cognitive perspective". *Language Related Research*. 7 (4). Pp:59-80. [In Persian].

- Evans, V. & A. Tyler (2004). *Spatial Experience, Lexical Structure and Motivation: The Case of in*. In G. Radden and K. Panther (eds.). *Studies in Linguistic Motivation*. Pp: 157–192. Berlin: Mouton de Gruyter.
- ----- (2004a). “Rethinking English prepositions of movement: The case of To and Through”. *Belgian Journal of Linguistics*. 18. Pp : 247–270.
- ----- (2004b). “Spatial experience, lexical structure and motivation: the case of in”. In G. Radden and K. Panther (eds.). *Studies in Linguistic Motivation*. Pp: 157–192. Berlin: Mouton de Gruyter.
- Evans, V. & M. Green (2006). *An Introduction to Cognitive Linguistics*. Edinburgh: Edinburgh University Press.
- Golfam, A. & F. Yousefirad (2006). “Cognitive semantics approach to spatial prepositions of persian from an educational perspective: A case study of preposition dær”. *Pazhooresh-e Adabiyat-e Moaser-e Jahan*. 14 (56). Pp. 167-179. [In Persian].
- -----; M. Assi; F. Agha Golzadeh & Fatemeh Yousefirad (2010). “The analysis of Persian preposition /az/ within the framework of cognitive semantics and its comparison with the traditional approach”. *Journal of the Linguistics Society of Iran*. Vol. 5, No.10. Pp: 69-80
- Lakoff, G. & M. Johnson (1980). *Metaphors We Live by*. Chicago: University of Chicago Press.
- Langacker, R.W. (1987). *Foundations of Cognitive Grammar (Volume I)*. Stanford: Stanford University Press.
- ----- (2008). *Cognitive Grammar: A Basic Introduction*. Oxford: Oxford University Press
- Rasekhmahand, M. (2010). *An Introduction to Cognitive Linguistics: Theories and Concepts*. Tehran: SAMT. [In Persian].
- Talmy, L. (2000). *Toward a Cognitive Semantics (2 Vols)*. Cambridge, MA: MIT Press.

- Tyler, A. & V. Evans (2003). *The Semantics of English Prepositions: Spatial Scenes, Embodied Meaning and Cognition*. Cambridge: Cambridge University Press
- ----- (2001). *Reconsidering Prepositional Polysemy Networks: The Case of Over*. In V. Evans, B. Bergen, and J. Zinken (Eds.), *The Cognitive Linguistics Reader*. Pp : 186-238. London: Equinox.
- Wittgenstein, L. (1958). *Philosophische Untersuchungen*. trans.G. E. M. Anscombe as *Philosophical Investigations*, 3rd ed. 1999. Harlow, London: Prentice Hall.
- Yusefirad, F. (2009). *A Study of Persian Prepositions within the Frame work of Cognitive Semantics with a particular Look at the Spatial Prepositions*. Ph.D. Dissertation in Linguistics, University of Tarbiat Modares.
- Zahedi, K. & A. Mohammadi Ziyarati (2011) "Semantic network of preposition æz within the framework of cognitive semantics". *Tazehha-ye Olum-e Shenakhti*. 13 (1). Pp. 67-80. [In Persian].